انترناسیونال ۷۱۳

آرش دشتی

**نمایشگاه سانسور در جمهوری اسلامی**

سی سال است که جمهوری اسلامی نمایشی تکراری را در تهران برگزار می کند تا به دنیا وانمود کند که برای کتاب و کتابخوانی ارزش قایل است! رژیمی که هزاران نفر را به خاطر خواندن کتاب و حتی نوشتن کتاب به جوخه های اعدام سپرد و یا ترور کرد.

دوسال است که نمایشگاه بین‌المللی! کتاب را در حاشیه‌ی جنوبی تهران، در جوار گور خمینی برپا می کنند. چرا چندشنبه بازار کتاب به حاشیه ی پرت جنوب تهران منتقل شده است؟

بیست و دوسال این سیرک بزرگ در محل دایمی نمایشگاه های تهران در شمال تهران واقع در ضلع جنوبی دانشگاه ملی (شهید بهشتی) و زندان اوین برگزار شد اما از آنجا که رژیم نمی خواست هر ساله بمدت ۱۰ روز پیاپی جمعیتی بزرگ در آن نقطه ی حساس تجمع کنند، جایش را به مصلای بزرگ تهران واقع در اراضی عباس آباد تغییر داد تا فضا را تا می تواند مذهبی و بسته کند. از دوسال پیش بود که در ظاهر بنا به اعتراض بعضی از ناشران ولی در حقیقت به این دلیل که این محل پرجمعیت شده بود و بیم هرگونه اتفاق در زمینه ی تجمعات اعتراضی می رفت، نمایشگاه بین‌المللی کتاب را به شهر آفتاب منتقل کرد.

**داستان شهرآفتاب چیست؟**

هنوز خمینی جام زهر هلاهل را سرنکشیده بود که خاندانش با کمک شهرداری به فکرتصاحب اراضی کشاورزی بخش اسلام آباد و باقرآباد و فشافویه افتادند. بعد از ساخت گورگاه خمینی، به این نتیجه رسیدند که غیر از دو روزی که در سالمرگ بنیانگذار جمهوری جهل و جنایت مردم را از شهرها و روستاها با تطمیع و پذیرایی رایگان به آنجا می آورند، در طول سال کسی به آن مکان لعنتی نگاه نمی کند و امام شان، دارد در عزلت و فراموشی می پوسد. تصمیم گرفته اند حول و حوش گورگاه را شلوغ کنند و شهری بسازند. نخست ایستگاه عوارضی اتوبان تهران ـ قم را در آنجا قرار دادند. سپس دانشگاه سهمیه‌ای و رانتی وابسته به بنیاد شهید (دانشگاه شاهد) را در آنجا ساختند. و فرودگاه بین المللی را کمی پایین تر بنا کردند. اخیرا هم مجبور شدند خط مترو را از آنجا عبور دهند. و از چندسال پیش هم پروژه عظیم نمایشگاه کتاب را با هزینه های سرسام آور در آنجا ساختند.

گردانندگان گورگاه خمینی و شهرداری تهران قصد دارند در ادامه ی تصرفات رایگان زمین های کشاورزی و صرف هزینه های نجومی و افت و لیس های فراوان، شهری با مرکزیت گورگاه خمینی در حاشیه ی جنوبی تهران بسازند.

**آیا نمایشگاه کتاب تهران، بین المللی است؟**

همه ساله تعدادی ناشر از کشورهای عرب زبان منطقه و تعدادی انگشت شمار از کشورهای همسایه  کتاب های مورد قبول جمهوری اسلامی را که بیشتر، قرآن و حدیث و کتاب های مذهبی است، در ایران به نمایش می گذارند. بین المللی در قاموس واژگان سیاسی جمهوری اسلامی، تعریف خاص خودش را دارد. مانند لیگ ها و تورنمنت‌های ورزشی که می گذارد مانند ورزش باستانی! و افغانستان و پاکستان را دعوت می کند و عنوان بین المللی را رویش می گذارد.

**امسال در نمایشگاه سی ام چه گذشت؟**

جمهوری اسلامی بنا بر سیاست ضد آزادی و ضد بشری اش، قبل از هر چیز، کتاب ها را سانسور می کند و بعد آن ها را به نمایش می گذارد. یادمان نرفته که شگرد این رژیم در خصوص زندانیان مخالف و چپ این بود که اول، زندانی را زیر شکنجه، له و آورده می کرد و بعد بعضی از آن ها را بعنوان توابین، جلوی تلویزیون ظاهر می کرد. جمهوری اسلامی در ایران امسال نیز مثل همیشه با قیچی سانسور به جان کتاب ها افتاد و تن رنجور و قلع و قمع شده ی کتاب ها را در بسته بندی های شیک در

غرفه های نمایشگاه به نمایش گذاشت تا وانمود کند که حامی آزادی اندیشه و بیان است!

جمهوری اسلامی علاوه بر سانسور سازمان‌یافته در متن کتاب ها، برابر لیستی که دارد، از انتشار بعضی از کتاب ها از بعضی از نویسندگان جلوگیری کرده است. همچنین از نمایش چند عنوان کتاب در بعضی از غرقه ها جلوگیری کرده است مثلاً کتاب « گرسنگی و ابریشم» نوشته ی هرتا مولر در غرفه ی بوتیمار و ۱۱ عنوان کتاب دیگر (این کتاب گرسنگی و ابریشم موضوع جالبی است که باید یک یادداشت جداگانه ای در باره اش بنویسم).

شکل دیگر سانسور، جلوگیری از حضور ناشران جدی بود. وزارت ارشاد اسلامی طی مقررات ظالمانه ای به ناشرانی که در طول سال ۱۳۹۵ کمتر از ۸ عنوان کتاب چاپ کرده بودند، مجوز حضور در نمایشگاه را صادر نکرد. این هم سانسور و حذف ناشر است و از سوی دیگر دامن زدن به چاپ و نشر کتاب های سطحی و کم ارزش است.

نوع دیگر سانسور، چیدمان غرفه ها بود. امسال ـ بیشتر از سال های گذشته ـ غرفه ها را طوری چیده بودند که میان هر دو ناشر عمومی، یک ناشر مذهبی و دفتر یکی از آیات عظام! جا گرفته بودند. همچنین علیرغم چیدمان غرفه ها به ترتیب الفبایی، ناشران دولتی و گردن کلفت، در جاهای مهم و دونبش و سه نبش و موقعیت های حساس سازمان داده شده بودند.

**نمایشگاه کتاب یا فروشگاه بزرگ؟**

تنها چیزی که در این سیرک کتاب وجود ندارد، ارتباط بین  ناشر و پدیدآورندگان است. ناشران در این ده روز به جای آنکه بتوانند با مولفان و مترجمان دیدار داشته باشند و بازدیدکنندگان در جریان آخرین دستاوردهای چاپ و نشر قرار بگیرند، چشمشان به خریداران اندکی است که بیشتر برای استفاده از

تخفیف به اینجا می آیند. امسال تمام ناشران از فروش بسیار. پایین می نالیدند. درحالیکه که هیچ ناشری از نیامدن مولفان  و نداشتن چنین دیدارهایی گله نداشتند. و این یعنی نمایشی بودن نمایشگاه بین‌المللی کتاب در جمهوری اسلامی.

فقر عمومی، بیکاری، گرانی کتاب، سانسور شدید، پرت بودن محل نمایشگاه، نبودن وسایل دسترسی آسان و . . . دلایل و عواملی هستند که رابطه ی مردم را با کتاب و کتابخوانی قطع می کنند. جمهوری اسلامی، جنازه ی کتاب را هر ساله به نمایش می گذارد.